

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۵۷

فصل ۹: ۱- ۱۹

آیه حفظی برای ۱۰ ماه آپریل سال ۲۰۲۵

کتاب مقدس، مکاشفه ۲۲: ۱۰

۱۰ و مرا گفت، کلام نبوت این کتاب را مُهر مکن زیرا که وقت نزدیک است.

آیه حفظی برای ۲۴ ماه آپریل سال ۲۰۲۵

کتاب مقدس، مزمور ۱۱۹: ۹۷- ۹۸

۹۷ شریعت تو را چقدر دوست می‌دارم؛ تمامی روز تفکر من است.

۹۸ اوامر تو مرا از دشمنانم حکیمتر ساخته است زیرا که همیشه نزد من می‌باشد.

مقدمه: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی فصل نهم باز بفرومائید. در این جلسه تمرکزمان بر روی آیات ۱ الی ۱۹ خواهد بود که در آن شما یک نمونه عالی برای دعا، برای هر ایماندار مسیحی را می‌توانید پیدا کنید. جالب است که در وسط مطالب راجع به وقایع ایام آخر، دانیال به دعا در حضور خداوند برمی‌گردد.

دعا: و بگذارید ما هم وقتمان را با دعا شروع کنیم!

مقدمه: اگر شما خداوند عیسی مسیح را محبت دارید و با او زندگی می‌کنید، به احتمال قوی احساسات این است که به اندازه کافی دعا نمی‌کنید. بنظر می‌آید که همیشه در حال دویدن بسوی آن هدف رویانی هستیم تا از دعا کردن مان راضی باشیم. ولی احساس می‌کنیم که هر چه بطرف این هدف می‌دویم به آن نمی‌رسیم. و باید اذعان کرد که متأسفانه در اغلب اوقات به دعا اولویت و ارزشی را که باید داشته باشد را نمی‌دهیم. وقت دعا را می‌گذاریم آخر همه کارها که آن موقع هم خسته ایم و هم وقت کافی نداریم. در این آیات می‌خواهیم از زندگانی یک خادم خدا، به یک الگو برای دعا کردن برسیم. و این خادم خدا، دانیال نبی است.

وقتی که به فصل نهم کتاب دانیال می‌رسیم، او به احتمال قوی ۸۰ سالش است، و قسمت اعظم عمرش را سپری کرده. دانیال مردی بود که با دنیا و گناه سازش نمی‌کرد. مردی بود شجاع و فروتن. در تمام جنبه‌های زندگی‌اش بطور عمیقی قابل اعتماد بود. از هر فرصتی برای جلال خدا استفاده می‌نمود. اما خصوصیتی که بر تمامی صفت‌های دیگر دانیال ارجحیت داشت این بود که **دانیال مرد دعا بود**.

بهترین نمونه از زندگی دعائی دانیال را در فصل ششم دیدیم. در فصل ششم به دانیال گفته شد که اجازه ندارد به خدای راستین دعا و او را عبادت کند. داریوش پادشاه به تحریک مشاوران فاسدش که قصد کشتن دانیال را داشتند، فرمانی صادر می‌کند که برای یک ماه فقط به او، یعنی پادشاه، می‌شود دعا کرد. هیچ کس به هیچ شخص و خدای نمی‌تواند دعا کند، غیر از داریوش پادشاه. و اگر کسی این فرمان را بشکند در چاه شیران افکنده خواهد شد.

ولی دانیال، علی‌رغم این خطر جدی، می‌رود به منزل، پنجره اطاقش را باز می‌کند، و با صدای بلند شروع می‌کند به دعا و پرستش خدای راستین به سمت اورشلیم. دانیال سازش نکرد و در چاه شیران افکنده شد. ولی خدا فرشته خود را فرستاد، و دهان شیران را بست، و دانیال نجات پیدا می‌کند. دانیال مرد دعا بود. ما وفاداری، تعهد، و سماجت دانیال را در دعا کردن در فصل ششم دیدیم. شخصیت شجاع و پاک دانیال که حاضر به سازش نبود از زندگی دعای ای او سرچشمه می‌گرفت.

اما در فصل نهم، ما در مورد زندگی دعای ای دانیال یک قدم عمیق‌تر می‌رویم. در این فصل می‌بینیم که دانیال اصلاً چگونه دعا می‌کند. آیات ۱ الی ۱۹ این فصل، بهترین نمونه دعا در عهد عتیق هستند.

فصل هشتم کتاب دانیال در حالتی خاتمه پیدا کرد که دانیال جسمانی مریض شده بود. ۸: ۲۷ می‌فرماید:

۲۷ آنگاه من دانیال تا اندک زمانی ضعیف و بیمار شدم. پس برخاسته، به کارهای پادشاه مشغول

گردیدم، اما درباره رویا متخیر ماندم و احدی معنی آن را نفهمید.

دانیال در رویای دومش از خداوند، در فصل هشتم، می‌بیند که چه مصیبت عظیمی بر سر قوم‌اش اسرائیل قرار است که فرود بیاید. دانیال در رویا می‌بیند که چگونه یک پادشاه ظالم و فاسدی، که تاریخ او را مشخص می‌کند که اپیفانس پادشاه سلسله یونانی تبار سلوکیه است، به اسرائیل حمله خواهد کرد، شهر اورشلیم را فتح و ویران ساخته، معبد اورشلیم را آلوده خواهد نمود. و این حمله و ویرانی در سال ۱۷۵ پیش از میلاد رخ می‌دهد، یعنی حدود ۳۵۰ سال بعد از نگارش کتاب دانیال.

بعد از دیدن این رویای دوم، دانیال چنان بار سنگینی در روحش، در مورد تجدید حیات قومش، اسرائیل، هم از نظر روحانی و هم از نظر فیزیکی، احساس کرد، که مریض شد. دانیال می خواست قومش هم به سرزمین مادری شان برگردند و هم به طرف خداوند. دانیال می خواست قومش به طرف عهد و پیمانشان با خداوند برگردند. دانیال چنان بار سنگینی در وجودش احساس می کند که مریض می شود.

دانیال در رویای دومش متوجه می شود که آن رویا فراتر از نمونه کوچک تاریخی، اپیفانس، رفته، و به ضد مسیح می رسد. دانیال واقعیت وحشتناک چیزهای که قرار است برای قومش و بر تمامی دنیا فرود آیند را می بیند. دانیال می بیند که اپیفانس و ضد مسیح، فقط ابزاری هستند در دستهای خدا برای اجرای داوری اش. و اگر چه در آن مقطع اسامی آنها را نمی دانست، و هنوز هم ما اسم ضد مسیح را نمی دانیم، ولی دانیال می توانست داوری و مصیبت عظیم بر قومش و بر جهان را ببیند. و این باعث شد که هم از نظر فیزیکی و هم از نظر روحانی مریض شود.

پس در فصل نهم، به عنوان یک خادم پُر از رحمت، و دل شکسته، برای قومش که آنها را دوست می داشت شروع می کند به دعای شفاعت کردن. دعای پر از احساس که از یک قلب شکسته بر می خیزد.

در این مقطع زمانی، امپراطوری ایران بر صحنه تاریخ آمده است. امپراطوری بابل توسط کوروش کبیر از بین رفته است و اکنون ایران ابر قدرت جهان شده است. اکنون دانیال نزدیک به ۸۰ سال سن دارد. او در زمان امپراطوری بابل نخست وزیر بود و در دوران امپراطوری ایران هم به مقام نخست وزیری اش ادامه می دهد. و این نکته شخصیت والی دانیال را به ما نشان می دهد.

وقتی انتقال قدرت از یک حکومت به حکومت دیگر انجام می گیرد، تعداد بسیار بسیار معدودی از مقامات رژیم گذشته باقی می مانند. وقتی بزرگترین امپراطوری جهان، امپراطوری بابل، از بین رفته، و امپراطوری دیگری جایش را می گیرد، و رژیم جدید همان نخست وزیر امپراطوری سابق را نگه بدارند، حقیقتاً اعجاب انگیز است. این چیزی در مورد صداقت شخصیت این مرد خدا به ما نشان می دهد.

در آیه ۱ از فصل نهم می خوانیم: **۱ در سال اول داریوش بن آخْشورش که از نسل مادیان و بر**

مملکت کلدانیان پادشاه شده بود.

امپراطوری ایران آمده، و داریوش بر تخت سلطنت نشسته است. اخشورش تلفظ عبری همان خشایار است. البته در اینجا به خشایار پادشاه اشاره نمی کند. بلکه این اخشورش پدر داریوش است. و در آن زمان دانیال شروع به دعا کردن می کند: آیه ۲

۲ در سال اول سلطنت او، من دانیال، عدد سالهایی را که کلام خداوند درباره آنها به ارمیای نبی نازل شده بود از کتب فهمیدم که هفتاد سال در خرابی اورشلیم تمام خواهد شد.

کتب یا طومارها، به طومارهای عهد عتیق اشاره می کند که دانیال آنها را خوانده بود. آن طومارها شامل کتاب ارمیاء نبی هم می شدند. ارمیا از خداوند الهام گرفته بود که مدت زمان تبعید قوم اسرائیل توسط بابلیان ۷۰ سال خواهد بود. ارمیا در سالهای ۶۲۷ الی ۵۷۰ پیش از میلاد خدمت کرد. ارمیا ۲۵: ۱۱-۱۲ می فرماید:

۱۱ و تمامی این زمین خراب و ویران خواهد شد و این قوم ها هفتاد سال پادشاه بابل را بندگی خواهند نمود.»

۱۲ و خداوند می گوید که «بعد از انقضای هفتاد سال من بر پادشاه بابل و بر آن امت و بر زمین کلدانیان عقوبت گناه ایشان را خواهم رسانید و آن را به خرابی ابدی مبدل خواهم ساخت.

و نیز ارمیا ۲۹: ۱۰

۱۰ و خداوند می گوید: چون مدت هفتاد سال بابل سپری شود من از شما تفقد خواهم نمود و سخنان نیکو را که برای شما گفتم انجام خواهم داد؛ به اینکه شما را به این مکان باز خواهم آورد.

دانیال در سال اول سلطنت داریوش، ۵۲۲ پیش از میلاد، کتاب ارمیا را می خواند. و به این وعده ها می رسد که مدت زمان تبعید قوم اسرائیل برای ۷۰ سال خواهد بود. و این باعث می شود که شروع به دعا کردن بنماید. قوم اسرائیل در دو نوبت به تبعید رفتند. اول در سال ۵۹۷ پیش از میلاد و دوم در سال ۵۸۷ پیش از میلاد. یعنی دانیال حساب کرد که مدت ۷۰ سال در حال به پایان رسیدن است. و این دانیال را به دعا کردن تشویق می کند. کلام خدا به دانیال حکمت می بخشد همانطور که مزمور ۱۱۹ می فرماید:

۹۷ شریعت تو را چقدر دوست می دارم؛ تمامی روز تفکر من است.

۹۸ اوامر تو مرا از دشمنانم حکیمتر ساخته است زیرا که همیشه نزد من می باشد.

قلب دانیال پر از احساسات عمیق بود که قومش از نظر روحانی و فیزیکی احیا شوند. و دانیال می خواست این را ببیند. و بدین علت شروع می کند به دعای شفاعت. یک الگوی عالی برای دعای شفاعت که از آن درسهای عملی می توانیم یاد بگیریم.